

دوئل نفتی «سقف قیمتی» بین غرب و روسیه

■ **سیدرحیم لاری**

وزرای دارایی کشورهای گروه ۷ شامل آمریکا، کانادا، بریتانیا، فرانسه، آلمان، ایتالیا و ژاپن روز جمعه دوم سپتامبر بیانیه مشترکی منتشر و برنامه‌های خود را برای تعیین سقف قیمت بر نفت خام و فرآورده‌های نفتی روسیه به خارج از این کشور اعلام کردند. هر چند این کشورها در بیانیه مشترک خود قیمت مشخصی به عنوان سقف پرداختی از سوی کشورهای خریدار نفت از روسیه اعلام نکردند اما شکی نیست که آنها با تعیین سقف قیمت نفت به دنبال کاهش درآمد‌های نفتی روسیه هستند تا اینکه بتوانند این کشور را در برنامه‌هایش نسبت به اوکراین وادار به تجدیدنظر کنند. کمیسیون اتحادیه اروپا یک هفته بعد از این طرح مشابه اتحادیه اروپا در زمینه گاز صادراتی روسیه را مطرح کرد تا این طرح اروپایی مکمل طرح گروه ۷ باشد. حال مسئله اینجاست که طرح‌های گروه ۷ و اتحادیه اروپا چه پیامدهایی در پی خواهد داشت و مهم‌تر از همه اینکه آیا روسیه را وادار

به عقب‌نشینی می‌کند یا نه؟!

■ **هدف سقف قیمت**

بلوک غرب قبل از این صادرات غرب را به آمریکا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا مورد تحریم قرار داده بود. بنابراین روشن است که طرح این بلوک برای تعیین سقف قیمت برای خرید نفت از روسیه هدفی جدای از تحریم‌ها که مانع از واردات نفت روسیه به کشورهای عضو این بلوک می‌شد، این به هدف دیگر کشورهایی است که از روسیه نفت می‌خرند. در نتیجه، می‌توان گفت طرح غرب در این مورد بازارهای جهانی نفت را مورد هدف قرار داده و برای این کار نه تنها کشورهای خریدار نفت روسیه بلکه تأسیسات نفتی آنها و حتی شرکت‌های بیمه و حمل و نقل طرف ثالث را نیز مورد هدف قرار داده است. آمریکا و اتحادیه ی اروپا با این کار می‌خواهند اهرم فشاری بر شرکت‌های بیمه و شرکت‌های خدماتی حمل و نقل داشته باشند تا مانع از این شوند که آنها انتقال نفت از روسیه به مشتریان یاشر را به جریان ببندند مگر اینکه سقف قیمت تعیین شده از سوی این بلوک را رعایت کنند. به عبارت دیگر، آمریکا و متحدان اروپایی‌اش بر خلاف تحریم‌های قبلی، نمی‌خواهند صادرات نفت روسیه به بازارهای جهانی را قطع کنند، چراکه از یکسو می‌دانند قطع صادرات حدود ۷/۵ میلیون بشکه نفت در روز به بازارهای

جهانی کار غیر ممکن است و از طرف دیگر متوجه پیامدهای به شدت منفی این کار حتی برای خودش هستند، زیرا جلوگیری از تحریم قرار داده بود. بنابراین روشن است که قبل از همه دامان خودشان را می‌گیرد. بنابراین آمریکا و متحدانش بین دو وضعیت از تحریم کامل جریان نفت روسیه به خارج و وضعیت فعلی، گزینه وسط را انتخاب کرده‌اند تا اینکه به گفته جنت یلن، وزیر خزانه‌داری آمریکا دو هدف اصلی قابل دسترسی باشد: نخست، ممانعت از افزایش قیمت نفت و ادامه دادن به سیر نزولی کاهش قیمت و دوم، محروم کردن ولادیمیر پوتین از درآمدهای نفتی و تأمین مالی مورد نیازش برای جنگ در اوکراین.

■ **واکنش روسیه**

روسیه تاکنون نتوانسته است با یافتن بازارهای تازه تحریم‌های قبلی را تا اندازه زیادی جبران کند و تحریم‌های آمریکا و اروپا فقط نتوانسته است حدود ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار بشکه نفت در روز بر صادرات روسیه تأثیر بگذارد و این میزان نه تنها تأثیر قابل توجهی بر توان صادراتی نفت روسیه نداشته است بلکه همین مقدار کاهش افزایش قیمتی را در بازار نفت به دنبال داشته که نتوانسته است کاهش همین میزان را جبران کند. بنابراین طبیعی است روسیه در واکنش به طرح سقف قیمت مقاومت کند و به جای قبول این طرح و

رعایت آن گزینه مقابله با آن را در پیش گیرد. به این جهت است که پوتین در واکنش به این طرح گفت درخواست اروپا برای تعیین سقف قیمت برای گاز روسیه احمقانه است و به قیمت‌های جهانی بالاتر و مشکلات اقتصادی در اروپا منجر می‌شود و «گفتن اینکه مسکو از انرژی به عنوان یک سلاح علیه اروپا به تلاقی تحریم‌ها بر سر جنگ در اوکراین استفاده می‌کند، پاره‌گویی است.» پوتین حتی تا آنجا پیش رفت که گفت: «اگر تصمیمی خلاف منافع ما گرفته شود، دیگر هیچ چیزی صادر نخواهیم کرد. نه گاز، نه نفت و نه ذغال سنگ.» این پیام پوتین فقط به کشورهای غربی نیست که می‌خواهند با



یک ارزیابی از تهدید پوتین به مقابله با طرح اروپایی – امریکایی
سقف قیمت نفت این است که این تهدید جدی است و اگر سقف قیمت بر صادرات نفت روسیه نتیجه‌بخش باشد، او قطع صادرات را به در آمد کم ترجیح خواهد داد تا با بحران در بازار انرژی طرف غربی را مجبور به تسلیم کند

هماوردی «دلار» و «زمان» در جنگ اوکراین



در پشت صحنه عملیات اخیر اوکراین در حومه خارکیف باید به دستگاه اطلاعاتی آمریکا توجه داشت که کل این عملیات را با اطلاعات ماهواره‌ای، تجسسی و میدانی کارگردانی می‌کرد و توانست با اشراف اطلاعاتی بر نقاط ضعف و نیروهای اوکراینی را به سمت جلو هدایت کند. در واقع، نمی‌توان تصور کرد که نیروهای اوکراین بدون نقش پشت صحنه آمریکا می‌توانست دست‌کم به این صورت روس‌ها را با وجود برتری نظامی عقب برانند و به مرز کشورشان به روسیه برسند.

■ **دلارهای بیشتر**

در این بین نباید به سرمایه‌گذاری هنگفتی بی‌توجه بود که آمریکا برای شکست دادن روسیه در جنگ آن با اوکراین کرده است. وب‌سایت رسانسیل استیت کرافت در گزارش ۱۲ سپتامبر خود گزارشی از درخواست جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا به کنگره داد که از کنگره می‌خواهد تا ۱۲/۷ میلیارد دلار بیشتر به اوکراین برای مبارزه با روسیه کمک شود. نکته قابل توجه در این درخواست دولت بایدن به کنگره این است

ترند حقوقی کنگره را دور بزند به خصوص

مسکو به راحتی منتظر مشتریانی می‌نشیند که از کارتل‌های نفتی جدا شده و آمده‌اند در خانه‌اش را می‌زنند.» به این ترتیب، پوتین در همین ابتدای کار موضع سختی در برابر طرح غرب گرفته است، زیرا می‌داند سقف قیمت تنها گزینه پیش‌روی او نیست.

■ **واکنش طرف‌های دیگر**

به طور کلی می‌توان گفت مسئله سقف قیمت بر صادرات نفت روسیه در وهله نخست یک دوئل نفتی بین غرب و روسیه است، اما باید توجه داشت که کشورهای دیگر خارج از این حلقه صرفاً تماشاگران این دوئل نیستند بلکه هر کدام به صورت مستقیم در آن نقشی دارند. به عبارت دیگر، طرح سقف قیمت در صورتی موفقیت‌آمیز خواهد بود که تمامی این تماشاگران به آن بپیوندند و پشت سر آمریکا و متحدان اروپایی‌اش قرار گیرند تا روسیه در مقابل طرح غرب دیده نمی‌شود. برخی از این کشورها به خصوص چین و هند از خریداران عمده نفت روسیه هستند وبعیدبه نظر می‌رسد بتوانند به جای نفت روسیه گزینه دیگری پیدا کنند به خصوص اینکه این کار باعث افزایش شدید قیمت نفت می‌شود و یافتن گزینه را برای آنها بیش از پیش مشکل می‌سازد. جدای از این، کشورهای عضو اوپک تاکنون حاضر به همکاری با آمریکا و متحدان اروپایی‌اش برای جهانی انرژی ایجاد کنند تا بر طرح غرب تأثیر بگذارند، اما در نهایت مجبور به پذیرش این طرح خواهد شد. بنا بر این ارزیابی، این بلوف پوتین وضعیت را برای او تغییر نخواهد داد و اجرای مؤثر طرح غرب در نهایت او را مجبور به پذیرش سقف قیمت می‌کند، چراکه درآمد کم بهتر از هیچ چیز است. ارزیابی دوم متمرکز بر این است که تهدید پوتین جدی است و اگر سقف قیمت بر صادرات نفت روسیه نتیجه‌بخش باشد، او قطع صادرات را به درآمد کم ترجیح خواهد داد تا با بحران در بازار انرژی طرف غربی را مجبور به تسلیم کند. سرنوشت اوکولنکو، تحلیلگر مستقر انرژی و رئیس سابق استراتژی و نوآوری در گازپروم، در مقاله جولای ۲۰۲۲ همین ارزیابی را دارد و می‌نویسد: «روسیه باید بازنگر استراتژیک با عملکردی خارق‌العاده است که در بازی برد و باخت مهارت دارد. این را در نظر داشته باشید که مسکو می‌تواند بلوف غرب را خوانده و به جای سقف قیمت، کف قیمت را برای مشتریان تعیین کند و بگوید که حاضر به صادرات کمتر از این قیمت نیست و آنگاه،

سنگینی بر این بلوک غرب وارد کرده است.

نتیجه‌گیری مشخصی به دست آورد. شاید روسیه به فکر تجدید قوا برای بازپس‌گیری مناطق از دست رفته باشد و شاید هم اصلاً چنین فکری نداشته باشد و حتی عقب‌نشینی نیروهایش از حومه خارکیف به معنای تغییر در استراتژی جنگی روسیه باشد. لازم به یادآوری است که روسیه پیش از این نیروهایش را از اطراف کیف عقب‌نشاند تا اینکه بتواند متمرکز از بر شرق و منطقه دونباس باشد و حالا هم می‌توان احتمال داد چنین نقشه‌ای در سر دارد. در واقع، رسیدن نیروهای روسیه به بندر اودسا به لحاظ استراتژی نظامی بسیار مهم‌تر از حفظ این نیروها در حومه خارکیف است، چراکه روسیه در صورت رساندن نیروهایش به این بندر مهم می‌تواند ارتباط اوکراین با دریا را به طور کلی قطع و آن را محصور به خشکی کند. یک شک قطع دسترسی اوکراین به دریای سیاه به مراتب برای روسیه مهم‌تر است تا حفظ نیروهایش در جبهه‌ای که تحرک چندانی ندارد. بنابراین قطع زمان است که می‌تواند نشان دهد مسئله عقب‌نشینی روس‌ها از حومه خارکیف پیروزی نظامی چشمگیر اوکراینی‌ها بوده یا یک تغییر جبهه هوشمندانه از سوی روس‌ها. از سوی دیگر، کرملین نگاهی نیز به زمستان دارد تا کمبود انرژی و فشار اقتصادی کشورهای اصلی اروپایی را به فکر تجدید نظر در حمایتش از اوکراین ببیند. هماهنگونه که تحلیلگران فارین پالیسی در مقاله ۱۵ سپتامبر این وب‌سایت گفته‌اند؛ برخی کارشناسان اوکراین بر این باورند که اگر پوتین بتواند زندگی اروپایی‌های محتاج به گاز را در زمستان بسیار سخت کند، خواه توانست از آن برای حمله در بهار بهره‌برداری کند. در واقع می‌توان گفت کرملین از عامل زمان در دو زمینه استفاده می‌کند: نخست تغییر جبهه از شمال شرق به جنوب اوکراین و دوم به عنوان اهرم فشار بر کشورهای اروپا. این دو زمینه می‌تواند در نهایت تا اوایل بهار برای کرملین نتیجه‌بخش باشد و حتی باعث تغییر اساسی در جنگ اوکراین شود. از این رو، باید صبر کرد و دید آیا زمان هماهنگونه که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه انتظار دارد به نفع او کار می‌کند یا نه؟!

چشم انداز



مقابله با غرب بادکترین «جهان روس»

■ **دکتر سیدرضا میرطاهر**

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه ۱۴ شهریور (۹ سپتامبر) دکتر ین جدید سیاست خارجی این کشور را مبتنی بر مفهوم «جهان روسیه» امضا کرد. دکترین جهان روسیه، مفهومی است که توسعه‌دوستانه» نام گرفته بر این محافظه‌کار روس ابداع و به ادعای غربی‌ها برای توجیه اقدامات تهاجمی روسیه از آن استفاده می‌شود. این دکترین ۳۱ صفحه‌ای «فدراسیون روسیه از دوستان خود در خارج از کشور برای به رسمیت شناختن حقوقشان، تضمین حفاظت از منافع و برای حفظ هویت فرهنگی روسی خود حمایت می‌کند. مسکو واکنش به درخواست جمهوری‌های خودخوانده جنوبی و همچنین گرجستان آبخازیا، اوستیای جنوبی و همچنین ریاست جمهوری دونالد ترامپ رئیس‌جمهور سابق آمریکا به رویکرد غالب و علنی واشنگتن تبدیل شده است و حتی در برخی کنونی نیز جو بایدن رئیس‌جمهور فعلی این کشور کماکان

■ **توجیهی برای مداخله**

به نظر می‌رسد تدوین و امضای این سند از جانب رئیس‌جمهور روسیه تلاشی در راستای ارائه چارچوبی نظری برای مداخلات خارجی روسیه به ویژه حمله به اوکراین در اواخر فوریه ۲۰۲۲ است. رئیس‌جمهور روسیه در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ در نطقی تلویزیونی اعلام کرد در واکنش به درخواست جمهوری‌های خودخوانده دونتسک و لوهانسک در شرق اوکراین، فرمان آغاز «عملیات ویژه نظامی» در اوکراین را صادر کرده تا از مر دمی که هشت سال مورد سوءاستفاده و نسل‌کشی رژیم کی‌یف بوده‌اند، حفاظت کند و اوکراین از وجود «تنوانی‌ها» پاسکسازی شود. سرگنی شویگو وزیر دفاع روسیه در تشریح دلایل مداخله نظامی روسیه در اوکراین با اشاره به اینکه تهدیدی واقعی برای جمعیت دونباس و در آینده نیز برای انجام عملیات نظامی ویژه در اوکراین را ضروری کرد.» همچنین در این سندر اهرم‌دی تصریح شده است روابط بین روسیه و هموطنانش در خارج از کشور به مسکوا این امکان را می‌دهد که وجهه خود را به عنوان یک کشور دموکراتیک تقویت کند که برای ایجاد جهانی چند قطبی در صحنه بین‌المللی تلاش می‌کند.

■ **جهان روس**

دکترین سیاست خارجی روسیه نشان می‌دهد تغییرات مهمی در سیاست خارجی روسیه شکل گرفته است. در این دکترین، مفهوم جهان روس که اساساً از سوی اوراسیاگرایان یا ملی‌گرایان به ویژه از سوی الکساندر دوگین، نظریه‌پرداز معروف روسیه مطرح شده، مورد توجه قرار گرفته است و به این معناست که دولت روسیه خود را متعهد می‌داند که از تمامی روس‌تبارها در سایر کشورها مخصوصاً در کشورهای پیرامونی حمایت و حفاظت کند و در مواقع لزوم به خاطر حفاظت از آنها اقدام مشخصی انجام دهد. پوتین با مطرح کردن این مسئله که روس‌تبارها در شرق اوکراین در معرض تهاجمات و اقدامات غیر انسانی تنوانی‌های کی‌یف قرار دارند، عملیات گسترده‌ای را علیه اوکراین شروع کرد. این مسئله یکی از ابعاد اجرایی شدن مفهوم جهان روسی است و به این معنی که مسکو متعهد می‌شود در مناطقی که



دکترین سیاست خارجی جدید روسیه نوعی اعلام مقابله علنی و روسیه با جهان غرب است، زیرا از ابتدای سال ۲۰۲۲ میلادی روس‌ها به این جمع‌بندی رسیدند که سیاست تنش‌زدایی با غرب و موجب تهاجمی‌تر شدن غربی‌ها و توسعه ناتو به شرق و تشریق شده است

روس تبارها تحت ستم و آزار قرار دارند به خاطر حمایت از آنها مداخله نظامی کند. این مسئله عملاً در مناطق جدایی‌طلب آبخازیا و اوستیای جنوبی در گرجستان، همچنین در شبه جزیره کریمه و در شرق اوکراین اجرا شده است و به نظر می‌رسد این پیامد را به همراه خواهد داشت که از این پس روسیه رویکرد تهاجمی را در پیش خواهد گرفت که تا تحت لوای آن خود را مجاز به مداخله برای حمایت از روس‌تبارها می‌داند.

■ **تأکید بر جهان چند قطبی**

یکی از مسائلی که در یک دهه اخیر به ویژه از سوی مقامات ارشد روسیه بارها مطرح شده است تأکید بر ایجاد جهانی چند قطبی مطابق دیزرت‌های جدید بین‌المللی مانند چین و هند رویکرد می‌کند این پیامد را به همراه خواهد داشت که از این پس روسیه رویکرد تهاجمی را در پیش خواهد گرفت. این امر در راستای مقابله با تداوم استکبار جهانی و حتی در برخی کنونی نیز جو بایدن رئیس‌جمهور فعلی این کشور کماکان این رویکرد را در عرصه سیاست خارجی دنبال می‌کند. مثال بارز این امر تحمیل خواسته‌های واشنگتن بر متحدان غربی به ویژه اروپایی خود برای حمایت همه‌جانبه از اوکراین پس از حمله روسیه به این کشور در قالب عملیات نظامی ویژه و نیز اعمال تحریم‌های بی‌سابقه علیه روسیه است که البته به دلیل واکنش‌های مسکو موجب ایجاد وضعیت وخیم اقتصادی و اجتماعی در کشورهای اروپایی شده است.

■ **الزامات جدید**

سند جدید سیاست خارجی روسیه با توجه به تحولات جدید در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی به ویژه جنگ اوکراین و تلاش مسکو برای توجیه آن در چارچوب اصول سیاست خارجی جدید این کشور تدوین و به امضای پوتین رسیده است. با توجه به مسائل متعددی که روسیه در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی با آنها مواجه است، تلاش جدی را برای ارائه و اجرای سیاست‌های در پیش گرفته که ضمن حفظ هویت ملی و منافع ملی آن موجب تقویت موقعیت بین‌المللی روسیه به عنوان بازیگری مهم و تأثیرگذار در عرصه جهانی شود. ضمن اینکه یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی روسیه، تغییرات متناسب با تحولات در عرصه منطقه‌ای و جهانی در دیگر جنبه‌های رویکرد خارجی روسیه است. بر اساس این سند، روسیه باید همکاری خود را با کشورهای اسلاو، صحنه بین‌المللی تلاش می‌کند.

به نظر می‌رسد دکترین سیاست خارجی جدید روسیه نوعی اعلام مقابله علنی با جهان غرب است. برخلاف غربی‌ها که در دهه‌های اخیر دنبال تنش با روسیه بودند، روسیه سیاست تنش‌زدایی را دنبال می‌کرد و حتی ابتدای دهه ۲۰۰۰ میلادی به عنوان مثال برای کاهش تنش‌ها با سازمان ناتو، شورای روسیه و ناتو را به وجود آورد بودند و همچنین شورای روسیه و اروپا هم شکل گرفته بود و سالانه نشست‌هایی بین دو طرف برگزار می‌شد و روس‌ها تلاش می‌کردند تا مناسبات خود را با آمریکا بهبود دهند، اما از سال ۲۰۱۴ این روند معکوس شد و نقطه عطف در این تنش تحولات سال ۲۰۲۲ بود. از ابتدای سال جاری میلادی روس‌ها به این جمع‌بندی رسیدند که سیاست تنش‌زدایی با غرب موجب تهاجمی‌تر شدن غربی‌ها و توسعه ناتو به شرق شده است و در عین حال غربی‌ها قه‌قدارند به‌هر نحو ممکن روسیه را مهار و همان سیاست پرده آهین دوره جنگ سرد را اجرایی کنند. بنابراین سیاست خارجی جدید روسیه این قابلیت را دارد که به حجم و گستره مقابله این کشور با غرب به میزان قابل توجهی بیفزاید و پیش‌بینی می‌شود در چارچوب این دکترین روس‌ها موضع سخت‌تری نسبت به گذشته در قبال اروپا و آمریکا اتخاذ خواهند کرد.